

## تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخص

ناصر یوسفی<sup>۱\*</sup>، آرمان عزیزی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۶

تاریخ ارسال: ۹۷/۲/۱

### چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی است زیرا شناخت عوامل افزایش‌دهنده‌ی تعارض زناشویی نقش مهمی در کاهش طلاق دارد. پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی و از نوع مدل یابی معادلات ساختاری است. جامعه پژوهش شامل کلیه‌ی والدین دانش‌آموزان شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۶ است. نمونه مورد مطالعه شامل ۵۰۰ نفر (۲۵۰ زوج) از والدین بود که به روش خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند و هر کدام پرسشنامه‌های تمایز یافتگی، تیپ شخصیتی و تعارض زناشویی را تکمیل نمودند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با دو نرم‌افزار Spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها بیانگر رابطه همبستگی منفی و معنی‌دار بین تعارض زناشویی با تیپ‌های شخصیتی (به جز تیپ روان رنجور) و تمایز یافتگی است. به عبارت دیگر تیپ‌های شخصیتی (به جز تیپ روان رنجور) و تمایز یافتگی بالا سبب کاهش تعارض زناشویی می‌شود و برعکس. همچنین همبستگی بین تیپ شخصیتی و تمایز یافتگی مثبت و معنی‌دار است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تیپ شخصیتی افراد و سطح تمایز یافتگی آن‌ها می‌توانند فاکتورهای خوبی برای سنجش و پیش‌بینی تعارض زناشویی باشد.

واژه‌های کلیدی: تعارض زناشویی، تیپ شخصیتی، تمایز یافتگی

۱. \* دانشیار و عضو هیئت علمی رشته مشاوره دانشگاه کردستان naseryoosefi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان

## مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه حیاتی است که تثبیت و تضمین سلامت فرد و بقای جامعه در این کانون شکل می‌گیرد. در واقع، خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در خانواده شکل می‌گیرد (قربانی و امانی، ۱۳۹۴). فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی بلکه از نظر عاطفی و روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خویش آماده پذیرش نقش‌های اجتماعی گردد (ریاحی، علیوردی نیا و بهرامی کاکاوند، ۱۳۸۶). در خانواده روابط زوجین سیستم پیچیده‌ای است از تعامل عوامل مختلف که تفاهم و تضاد آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند (گاتمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). تعارض زناشویی یکی از مشکلاتی است که کودکان سراسر دنیا با آن مواجه هستند و تقریباً همه کودکان حدی از تعارض بین والدین را تجربه و آن را به‌عنوان منبع تنیدگی معرفی می‌کنند (کامینگز، کروس و پاپ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). به عقیده مونت گومری<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) تعارض زناشویی فرایندی تعاملی است که در آن یکی یا هر دو همسر در مورد جنبه‌هایی از رابطه‌شان احساس ناراحتی می‌کنند و می‌کوشند به طریقی آن را حل کنند. به‌علاوه، تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور درنیاید (دیویس، ترجمه بهاری، ۱۳۸۲). طلاق شایع‌ترین جلوه تعارض شدید است. بالغ‌بر نیمی از زوج‌هایی که درصدد مشاوره هستند، سرانجام طلاق می‌گیرند (ورثینگتون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). به عقیده کومستاک و استرزیویک<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) این بود یا نبود تعارض نیست که «کیفیت ازدواج» را تعیین می‌کند بلکه طرز اداره موقعیت‌های تعارض‌آمیز است که کیفیت رابطه زناشویی را تعیین می‌کند. بنابراین، مهارت کلیدی در روابط متعهدانه درازمدت، مدیریت تعارض است (گاتمن، ۱۹۹۴). به دلیل ماهیت کنش‌وری همسران در فضای زندگی مشترک، گاه پیش می‌آید که اختلاف دیدگاه بین زوجین روی دهد و یا اینکه نیازهای آن‌ها برآورده نشود. نتیجه چنین

۱. Gottman, J. M

۲. Cummings, E. M., Kouros, C. D., & Papp, L. M

۳. gomery, M

۴. Worthington, E.L

۵. Comstock, J. & Strzyzewski, S

تعاملات منفی، ناخوشنودی، ناامیدی و احساس خشم همسران نسبت به یکدیگر گزارش شده است (جهانفر و همکاران، ۱۳۸۱). از دیدگاه سکستون<sup>۱</sup> (به نقل از قربانی، ۲۰۰۵) تعارض زناشویی هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، درحالی‌که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. تعارضات زناشویی یک مشکل جدی اجتماعی به حساب می‌آیند که تأثیرات منفی بر سلامت جسمانی و روانی زوجین (گانت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) و فرزندانشان (آماتو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) دارد. تعارض بین زوجها امری طبیعی و ناشی از وجود تفاوت‌هاست و نمی‌توان مانع تعارض شد (پریوت و روبین<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ به نقل از وانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). همانطور که گروهان<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) می‌گوید، «شرط حفظ ازدواج توانایی استفاده خلاق از تعارض است. چنانچه تعارض به‌طور سازنده اداره شود، رشد و غنای ازدواج بیمه می‌شود و چنانچه به‌صورت مخربی اداره شود زن و شوهر محکوم‌اند که از رابطه نسبتاً ناراضی باشند» (بھاری، ۱۳۸۸). تعارض زناشویی و آشفتگی رابطه را می‌توان به‌عنوان نارضایتی حداقل یکی از زوجین نسبت به رابطه تعریف نمود که به‌سرعت افزایش می‌یابد (هالفورد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). تعارضات می‌تواند منجر به ضعیف شدن روابط زناشویی، ضعیف شدن سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان شود (فخرایی، ۲۰۰۷). به‌طور کلی تعارض زناشویی به وجود آمده در خانواده مسائل و مشکلاتی را در سطوح فردی، نهادی و اجتماعی به وجود می‌آورند. لذا توجه به این مسئله و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی می‌تواند در سلامت جامعه و خانواده نقش اساسی نقش تعیین‌کننده داشته باشد (فینچام و برادبری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴). یکی از عواملی که می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی نقش فعالی را بازی کند تمایز یافتگی زوجین است. مفهوم خودتمایز سازی است. خودتمایزسازی اساسی‌ترین مفهوم نظریه بوون است (کلور<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). خود

---

۱. sexton, A

۲. Gunt, R

۳. Amato, P. R

۴. Periot, G & Robin, H

۵. Wang, Q

۶. Grohan, S. E

۷. Halford, W.K

۸. Fincham, F.D & Bradbury, T. N

۹. Klver, Ph

تمایزسازی، توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی، و صمیمیت و خودمختاری خویش از دیگران است (بوون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸؛ اسکورون و دندی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). مفهوم خودتمایز سازی همانطور که بوون بیان کرد، غالباً در ادبیات خانواده درمانی بد تعبیر شده و با استقلال یا فردیت یکسان تلقی می‌گردد. هرچند در ابعادی مشابه آن است اما فردیت - جدایی برابر با خود تمایز سازی نیست. از نظر بوون، خودتمایز سازی توانایی کاهش واکنش عاطفی به افراد مهم است تا فرد افکار خود و عقایدش را بدون توجه به فشار اجتماعی بیان کند (یویا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). اگر دو فرد تمایز نیافته با یکدیگر ازدواج کنند خانواده‌ای هسته‌ای تشکیل می‌شود که سطح تمایز پایینی دارد. زوج تمایز نیافته در شرایط فشارزا دچار اضطراب و اختلال در کارکرد زناشویی می‌شوند. با بررسی تعارض زناشویی می‌توان به میزان تمایز یافتگی یک ازدواج پی برد. تعارض زناشویی با جذب اضطراب در پیوند زوج پدید می‌آید و با واکنش‌های عاطفی یا جدایی عاطفی مشخص می‌شود (اسکورون، ۲۰۰۰). از دیدگاه نظری، دست کم چهار عامل مؤثر در سطح تمایز خود وجود دارد: واکنش عاطفی، جدایی عاطفی، آمیختگی با دیگران و موقعیت من. به سخن دیگر افراد تمایز یافته با ویژگی‌های زیر مشخص می‌شوند:

۱) افراد تمایز یافته ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش این دسته افراد کنترل شده است؛ ۲) زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز یافته لزومی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند؛ ۳) افراد تمایز یافته در روابط صمیمانه قادرند خود تعریف شده‌اشان را حفظ کنند و با دیگران آمیخته نمی‌شوند؛ ۴) افراد تمایز یافته ذاتاً خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (تایسون و فریدلندر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

---

۱. Bowen, M  
 ۲. Skowron E. A & Dandy, A.K  
 ۳. Yoo Ya, Y  
 ۴. Tuason, M.T, & Friedlander, M.L

از این دیدگاه، زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند (بوون، ۱۹۷۸). در پژوهش اسکوورون (۲۰۰۰) که رابطه تمایز خود را با کیفیت رابطه زناشویی بررسی کرده است، دریافته است که از میان ابعاد تمایز خود، فقط بعد جدایی عاطفی و واکنش عاطفی پیش‌بینی کننده اختلافات زناشویی است. سطح خودتمایز سازی با توانایی فرد برای کاهش اضطراب ارتباط دارد (یوتن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ پینو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). به عقیده بوون همه بیماری‌های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به‌ویژه مشکلات زناشویی با سطح خودتمایز سازی رابطه دارد (هراس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). تمایز یافتگی خود به صورت ویژگی‌های درون فردی و بین فردی نیز قابل توصیف است. تمایز یافتگی درون فردی به توانایی فرد در ایجاد تعادل بین افکار و هیجانات اشاره دارد، در حالی که تمایز یافتگی بین فردی به توانایی تجربه صمیمیت عمیق بدون به خطر افتادن احساس استقلال فردی اطلاق می‌شود (جوهانسون و والدو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸). بنابراین تمایز یافتگی می‌تواند بر روی ویژگی‌های شخصیتی تأثیر داشته باشد و از طرف دیگر ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند عامل مهمی در پیش‌بینی تعارض زناشویی محسوب شود. شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی زوج‌ها فراهم می‌کند، نقش مهمی در کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه دارد. در بین مدل‌های مختلف شخصیت در دهه‌های اخیر، مدل پنج عاملی شخصیت دید جامعی نسبت به انسان دارد و تقریباً تمام صفات مورد اشاره در میان عامه مردم و نظریه‌های علمی شخصیت را در برمی‌گیرد (کاستا و مک کری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). این مدل پنج بعد اصلی روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی در برابر تجربه، توافق پذیری و وظیفه‌شناسی را در شخصیت افراد

۱. Utne, M. K

۲. Pineo, P

۳. Heras, J. E

۴. Johnson, P & Waldo, M

۵. McCrea, R. R & Costa, P. T

معرفی کرده است (لان، مک کاسلیل، ویلیامز و پارخ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). برون‌گرایی شامل کمیت و شدت تعامل با افراد دیگر و میزان اجتماعی بودن یک شخص است. توافق پذیری میزان توافق در اندیشه، احساسات و عمل نسبت به دیگران را نشان می‌دهد. وظیفه‌شناسی، بعدی است که میزان مسئولیت‌پذیری، سخت‌کوشی و هدفگرا بودن را در جهت رفتارهای سازمان توصیف می‌کند. روان‌رنجوری شامل خصوصیات مانده اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و هر گونه هیجان‌های تند و ناخوشایند می‌شود و گشودگی نسبت به تجربه (تجربه‌پذیری) قوه تخیل، زیبایی‌شناسی، احساسات، ایده‌ها، عمل‌ها و ارزش‌ها را توصیف می‌کند (پروین و کرون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). تحقیقات متعدد (شویتا و لونسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷؛ لوی و کلوهن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ دونلان و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ عباسی و همکاران، ۱۳۸۹) بر این نکته تأیید دارند که رضایت و تعارضات زناشویی بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی دریافت می‌کند. بارلدز و دیچ کاسترا<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) در مطالعات خود دریافته‌اند که داشتن تصور مثبت در مورد ویژگی‌های شخصیتی همسر با کیفیت ارتباط به‌طور مثبت رابطه دارد. همچنین بین تصورات مثبت درباره شخصیت همسر با طول مدت ازدواج و شخصیت افراد ارتباط وجود دارد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند. به‌عنوان مثال تجربه‌پذیری را عامل مهمی در روابط زناشویی دانسته‌اند و معتقدند تجربه‌پذیری پایین در افراد، باعث می‌شود آن‌ها از انعطاف‌پذیری، تفکر واگرا و قدرت سازندگی برای حل مسائل و مشکلات زناشویی برخوردار نباشند (جلیلی، بخشایش و فارسی‌نژاد، ۱۳۸۸). پژوهشگران با استفاده از مدل پنج‌عاملی شخصیتی نقش ویژگی‌های زناشویی را در سازگاری زناشویی بررسی کرده‌اند؛ از این پنج عامل، عصبیت؛ که بیشتر با هیجان‌پذیری منفی از آن یاد می‌شود، اثرات عمده‌ای بر بازده زناشویی دارد، تا چهار عامل دیگر (به نقل از نادری، ۱۳۸۹). در پژوهش شاهرادی

۱. Lane, J.D., McCasill, C.C., Williams, P. G & Parekh, P, I

۲. Pervin, L & Cervone, D

۳. Shoita, N & Levenson, W

۴. Lue, S & Klohn, E

۵. Donnellan, B. M

۶. Barelds DPH, Dijkstra P

وفات‌چی زاده واحمدی (۱۳۹۰) که بر روی زوج‌های عادی و طلاق انجام شد، یافته‌ها نشان دادند که زوج‌های عادی و در معرض طلاق در روان رنجورخویی، تجربه پذیری و وظیفه‌شناسی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند.

بنابراین هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایزیافتگی و تیپ‌های شخصیتی در میان زوج‌های متأهل است که با وجود اینکه پژوهش‌های زیادی در مورد ارتباط متغیرها با تعارض زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است ولی تاکنون نقش دو متغیر تمایزیافتگی و تیپ‌های شخصیتی با تعارض زناشویی به‌طور هم‌زمان انجام نشده است. همچنین پژوهش‌های قبلی از روش الگوی معادلات ساختاری برای تعارض زناشویی و اینکه کدام عامل سهم بیشتری در ایجاد تعارض دارند را مورد استفاده قرار نداده‌اند، بنابراین پژوهش حاضر در پی بررسی این است که آیا این عوامل می‌توانند پیش‌بین خوبی برای تعارض زناشویی در زندگی والدین دانش‌آموزان باشد یا نه؟ و اینکه کدام عامل نقش پیش‌بین بهتری برای تعارض زناشویی زندگی آینده ایفا می‌کند؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن، بنیادی است و با توجه به عدم مداخله در ایجاد داده‌ها پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. همچنین این پژوهش از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است که هدف از آن بررسی رابطه سازه‌های نهان برونزا و درونزا موجود در مدل است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان سنندج در بهار ۹۶ است. نمونه‌گیری به شیوه‌ی خوشه‌ای دو مرحله‌ای انجام شد به این صورت که ابتدا از میان سه مقطع تحصیلی، مقطع ابتدایی انتخاب شد و بعد سه مدرسه ابتدایی از میان تمام مدارس ابتدایی سطح شهر به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس با برگزاری جلسه آگاهی برای والدین، به ۵۰۰ نفر از والدین (۲۵۰ زوج) پرسشنامه ارائه گردید و بعد از ۳ روز جمع‌آوری گردید. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شده است.

ابزار سنجش پژوهش حاضر در ادامه بیان شده است:

پرسشنامه تعارض زناشویی (MCQ)<sup>۱</sup>: این پرسشنامه دارای ۴۲ سؤال است که حیطه‌های تعارض زوجها را در هفت زمینه می‌سنجد و شدت تعارض زناشویی را برآورد می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: ۱- کاهش همکاری، ۲- کاهش رابطه جنسی، ۳- افزایش واکنش‌های هیجانی، ۴- افزایش رابطه فردی با اقوام خود، ۵- کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان و دوستان همسر، ۶- جدا کردن امور مالی از همدیگر و ۷- افزایش جلب همکاری فرزند (براتی، ۱۳۷۵). این پرسشنامه تعارض زوجها را در چهار سطح: فاقد تعارض (۴۲ تا ۷۵)، تعارض در حد طبیعی (۷۵ تا ۱۱۴)، تعارض بیش از حد طبیعی (۱۱۴ تا ۱۳۴) و تعارض بسیار شدید (بالتر از ۱۳۵) طبقه بندی می‌کند. پایایی کلی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵) در دو گروه سازگار و ناسازگار در مردان و زنان متأهل عادی و متقاضی طلاق برابر با ۰/۵۲، توسط فرح‌بخش (۱۳۸۳) برابر با ۰/۶۹ و در مطالعه حاضر نیز پایایی این ابزار با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳ و برای ابعاد آن به ترتیب، برای بعد کاهش همکاری (۰/۷۱)، کاهش رابطه جنسی (۰/۶۶)، افزایش واکنش هیجانی (۰/۶۳)، افزایش جلب حمایت فرزند (۰/۶۷)، افزایش رابطه با دوستان و بستگان خود (۰/۸۰)، کاهش رابطه با دوستان و اقوام همسر (۰/۷۶) و جدا کردن امور مالی (۰/۵۶) محاسبه شد.

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت<sup>۲</sup>: برای اندازه‌گیری پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم ۶۰ سؤالی پرسشنامه‌ی پنج عامل بزرگ شخصیت که کاستا و مک کری (۱۹۸۹) تهیه و آماده اجرا نموده‌اند استفاده شد. این پرسشنامه دارای مقیاس پاسخگویی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است و پنج عامل روان رنجورخویی (در برابر ثبات روانی و هیجانی)، برون‌گرایی (در برابر درون‌گرایی)، انعطاف‌پذیری (در برابر خشکی و انعطاف‌ناپذیری)، دلپذیر بودن و توافق‌پذیری (در برابر خودشیفتگی) و مسئولیت‌پذیری (در برابر سهل‌انگاری) را سنجش می‌کند. کاستا و مک کری (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ مقیاس‌های این پرسشنامه را به این ترتیب گزارش داده‌اند: روان رنجورخویی برابر با ۰/۹۳، برون‌گرایی برابر با ۰/۹۰، انعطاف‌پذیری برابر با ۰/۸۹، دلپذیر بودن برابر با ۰/۹۵ و مسئولیت‌پذیری برابر با

۱. Marital Conflict Questionnaire

۲. Big Five Factor Personality Questionnaire



۰/۹۲ را گزارش نموده‌اند. کیامهر (۱۳۸۱) که نسخه‌ای از این پرسشنامه را برای اجرا در بین دانشجویان ترجمه و آماده اجرا کرد، روایی هم‌زمان بین فرم بلند و کوتاه این پرسشنامه را برای پنج عامل بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱ و آلفای کرونباخ خرده مقیاس هارا بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ گزارش کرده است. در این پژوهش نیز پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۷ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب، برای بعد روان رنجورخویی برابر با (۰/۶۸)، برون‌گرایی برابر با (۰/۶۱)، انعطاف‌پذیری برابر با (۰/۴۱)، دلپذیر بودن برابر با (۰/۵۷) و مسئولیت‌پذیری برابر با (۰/۸۴) محاسبه شد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود<sup>۱</sup>: پرسشنامه تمایز یافتگی یک پرسشنامه ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی است (اسکورون، ۲۰۰۰). این پرسشنامه با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه بندی شده است. حداکثر نمره‌ی این پرسشنامه ۲۷۶ است. نمره‌ی کمتر در این پرسشنامه نشانه سطوح پایین تمایز یافتگی است. روایی محتوایی این پرسشنامه از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است (یونسی، ۱۳۸۵). پرسشنامه مذکور از ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران تشکیل شده است. بهات (۲۰۰۱)، در پژوهش خود پایایی درونی را از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس واکنش عاطفی ۰/۸۱؛ جایگاه من ۰/۶۹؛ گریز عاطفی ۰/۶۵؛ و برای هم آمیختگی با دیگران ۰/۶۰ را به دست آورد. اسکیان (۱۳۸۴) این پرسشنامه را بر روی ۲۴ نفر از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان اجرا کرد و پس از تجزیه و تحلیل نتایج در نهایت پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب، واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۷۸، جایگاه من ۰/۶۳، گریز عاطفی ۰/۷۸ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۶۳ محاسبه شد.

---

۱. Differentiation of Self Inventory

با اجرای پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها و ثبت آن‌ها در رایانه، امکان تحلیل و تدارک مدلی برای این سه متغیر میسر شد. تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه و مدل معادلات ساختاری با برنامه‌های نرم‌افزاری Spss و Amos صورت پذیرفت که از اولی برای برآورد آمار توصیفی جهت توصیف وضعیت جمعیت شناختی شرکت کنندگان استفاده می‌شود. برآورد پارامترهای مدل با روش بیشینه‌ی درست‌نمایی<sup>۱</sup> (ML) انجام شد.

### یافته‌ها

با توجه به اینکه این پژوهش در میان والدین انجام شده است بنابراین بر اساس نتایج ۵۰ درصد از افراد نمونه مرد و ۵۰ درصد هم زن بودند. حداقل سن افراد نمونه ۲۱ سال و حداکثر سن ۶۸ سال با میانگین ۳۵/۲ و انحراف استاندارد ۵/۵۷ بود. ۳۴/۸ درصد افراد نمونه تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵/۴ درصد افراد تحصیلات دیپلم تا لیسانس، ۲۶/۶ درصد لیسانس و ۳/۲ درصد از افراد تحصیلات تکمیلی یا بالاتر داشته‌اند. همچنین ۳۲/۸ درصد افراد کارمند، ۲۹/۲ درصد دارای شغل آزاد و ۳۸ درصد از افراد نمونه خانه‌دار بوده‌اند.

در جدول (۱) میانگین و انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱- تیپ شخصیتی	-	-	۱		
۲- تمایز یافتگی	۱۷۱/۷۹	۲۳/۷۲	*۰/۵۶	۱	
۳- تعارض زناشویی	۷۸/۶۸	۲۴/۹۷	*-۰/۴۳	*-۰/۳۵	۱

\*P < ۰/۰۱

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار تعارض زناشویی ۷۸/۶۸ (۲۴/۹۷)، تمایز یافتگی ۱۷۱/۷۹ (۲۳/۷۲) بوده است. جدول شماره ۱ رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد که بیانگر وجود رابطه همبستگی منفی و معنی‌دار بین تعارض

۱. Maximum Likelihood

زناشویی و تیپ شخصیتی (۰/۴۳-) و تمایز یافتگی و تعارض زناشویی (۰/۳۵-) و همچنین رابطه‌ی همبستگی مثبت و معنی‌دار تیپ شخصیتی با تمایز یافتگی (۰/۵۶) است. در جدول (۲) همبستگی بین تعارض زناشویی با عامل‌های سن، جنس، شغل و تحصیلات نشان داده شده است.

جدول ۲. همبستگی بین تعارض زناشویی با عامل‌های سن، جنس، شغل و تحصیلات

متغیر / عامل	۱	۲	۳	۴	۵
۱- تعارض زناشویی	۱				
۲- سن	-۰/۰۷	۱			
۳- جنس	۰/۰۳	*-۰/۳۶	۱		
۴- شغل	۰/۰۱	*-۰/۱۹	*۰/۵۷	۱	
۵- تحصیلات	-۰/۰۱	*-۰/۱۴	*-۰/۲۳	*-۰/۶۲	۱

\* \*P < ۰/۰۱

جدول (۲) نیز همبستگی بین چهار عامل سن، جنس، تحصیلات و شغل را با تعارض زناشویی را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی ناچیز و غیرمعنی‌دار تعارض زناشویی با این چهار عامل است. یعنی به سختی می‌توان میان عوامل جمعیت شناختی و تعارض زناشویی رابطه برقرار کرد و تعارض زناشویی را با این عوامل پیش‌بینی کرد.

جدول (۳) همبستگی بین خرده مقیاس‌های تیپ‌های شخصیتی و تمایز یافتگی و مقیاس تعارض زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. همبستگی بین خرده مقیاس‌های تیپ‌های شخصیتی و تمایز یافتگی و مقیاس تعارض زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- تیپ روان نژند	۱									
۲- تیپ برون‌گرا	-۰/۵۳	۱								
۳- تیپ انعطاف‌پذیر	۰/۱۲	۰/۱۷	۱							
۴- تیپ دلپذیر	-۰/۴۷	۰/۳۸	۰/۱۴	۱						
۵- تیپ مسئولیت‌پذیر	-۰/۴۰	۰/۶۱	۰/۲۹	۰/۵۲	۱					

۶- واکنش‌پذیری عاطفی	۰/۱۷	-	۰/۴۲	۰/۲۰	۰/۲۷	-	۰/۲۱	۱
۷- جایگاه من	۰/۱۲	-	۰/۱۲	-	۰/۱۱	-	۰/۳۸	۱
۸- گریز عاطفی	۰/۱۴	-	**۰/۰۸	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۶۶	۱
۹- آمیختگی با دیگران	۰/۱۰	-	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۲	**۰/۰۴	۰/۶۹	۱
۱۰- تعارض زناشویی	۰/۳۴	-	۰/۳۹	-	۰/۲۰	-	۰/۴۵	۱
							-	**۰/۰۳

\*\*P &gt; ۰/۰۵

جدول (۳) نشان می‌دهد که تعارض زناشویی با تمام خرده‌مقیاس‌ها به‌جز تیپ روان‌نژند دارای همبستگی منفی است یعنی افراد با تیپ روان‌نژند معمولاً در زندگی زناشویی دارای تعارض هستند. همچنین از میان تیپ‌ها، تعارض زناشویی بیشترین همبستگی را با تیپ مسئولیت‌پذیر (۰/۴۸-) و کمترین همبستگی را با تیپ انعطاف‌پذیر (۰/۲۰-) دارد و از طرف دیگر از میان خرده‌مقیاس‌های تمایز‌یافتگی، تعارض زناشویی بیشترین همبستگی را با گریز عاطفی (۰/۶۶) و کمترین همبستگی را با آمیختگی با دیگران (۰/۰۳-) دارد.

از آنجایی هدف اصلی پژوهش، بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر تعارض زناشویی، همچنین تبیین مدلی برای پیش‌بینی عوامل اثرگذار بر تعارض زناشویی را مد نظر قرار داده‌ایم از الگوی معادلات ساختاری به‌منظور بررسی روابط علی متغیرها استفاده گردید. بررسی روابط علی از روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که در بررسی حاضر به‌منظور آزمون الگوی فرضی عوامل تأثیرگذار بر تعارض زناشویی و مسیرهای آن از روش شاخص برازش نیکویی استفاده گردید. قبل از ترسیم مدل برای تمام متغیرها تحلیل عاملی گرفته شد و شاخص‌های برازش هم‌مورد بررسی قرار گرفت. بیش از سی شاخص برازش مدل معرفی شده که اغلب آن‌ها در خروجی Amos گزارش می‌شوند. نویسندگان این شاخص‌ها را در سه گروه اصلی قرار داده‌اند که از هر گروه موارد مورد نیاز مدل گزارش داده می‌شود.

گروه‌ها شامل: ۱) شاخص برازش مطلق<sup>۱</sup> (۲) شاخص برازش تطبیقی<sup>۲</sup> (۳) شاخص برازش مقتصد<sup>۳</sup> می‌باشند.

کای اسکوتر ( $X^2$ ) را می‌توان به‌عنوان عمومی‌ترین و پرکاربردترین شاخص برازش در مدل سازی معادله ساختاری تلقی کرد. از شاخص‌های پرکاربرد دیگر را می‌توان CFI، GFI، NFI و RMSEA را نام برد که هر کدام مربوط به گروه‌های ذکر شده است. در جدول (۴) شاخص‌های برازش و مقایسه مدل تدوین شده با مدل اشباع شده و مستقل ارائه شده است.

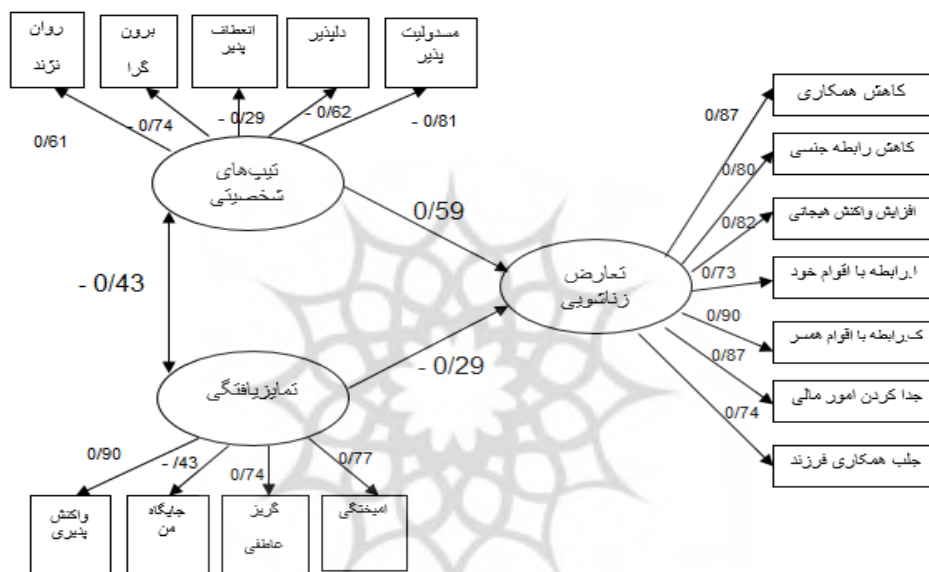
جدول ۴. شاخص‌های برازش و مقایسه مدل تدوین شده با مدل اشباع شده و مستقل

شاخص برازش	CMIN	GFI	NFI	CFI	PNFI	RMSEA	HOELTER
مدل تدوین شده	۳۰۶/۱۱	۰/۹۳۲	۰/۹۳۱	۰/۹۵۲	۰/۷۷۶	۰/۰۶۴	۲۲۲
مدل اشباع شده	۰	۱	۱	۱	۰	---	---
مدل مستقل	۴۴۴۲/۳۱	۰/۳۲۷	۰	۰	۰	۰/۲۶۹	۱۸

$X^2=306/11$  (خی دو) با درجه آزادی ۱۰۰ که این شاخص در مقایسه با مدل مستقل که مقدار آن ۴۴۴۲/۳۱ است، مقدار مطلوبی را نشان می‌دهد. همچنین نسبت خی دو به درجه آزادی مقدار ۳/۰۶ را نشان می‌دهد که در مدل‌های مطلوب معمولاً بین دو عدد ۲ تا ۴ قرار دارد. هر چه مقدار شاخص‌های  $CFI = 0/952$  و  $NFI = 0/931$  که از گروه شاخص‌های تطبیقی هستند، به یک نزدیکتر باشد، نشانه مطلوب بودن مدل است. شاخص دیگر که مربوط به گروه تطبیقی است که باز هم نشانه مطلوب بودن مدل است.  $PNFI = 0/776$  یا شاخص هنجار شده مقتصد که اغلب مقادیر بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰ را برای این شاخص مناسب تلقی کرده‌اند.  $RMSEA = 0/064$  که شاخصی است که اغلب به‌عنوان نقطه برش برای مدل‌های خوب و بد شناخته می‌شود و برازش مدل‌هایی که دارای مقادیر بالاتر از ۰/۱۰ هستند ضعیف

۱. Absolute Fit Indices
۲. Comparative Fit Indices
۳. Parsimonious fit Indices

تلقى می‌شود. آخرین شاخص برازش مطرح شده شاخص هلتر<sup>۱</sup> است که مستقیماً بر موضوع کافی بودن حجم نمونه تمرکز دارد که این مقدار را در دو سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ گزارش می‌دهد و مقدار ۲۰۰ را به عنوان حداقل قابل قبول برای مقدار بحرانی  $N$  مطلوب است اما با توجه به بحرانی نبودن نمونه مقادیر بالاتر از ۷۵ مطلوب است و در مدل تدوین شده مقدار آن در مدل  $HOELTER = 222$  در سطح ۰/۰۱ است که نشانه حجم مطلوب نمونه است.



نمودار ۱. مدل معادلات ساختاری برای تیپ شخصیتی و تمایز یافتگی با تعارض زناشویی

مدل ارائه شده نشان می‌دهد که متغیر تمایز یافتگی و تیپ شخصیتی می‌توانند روی تعارض زناشویی تأثیر داشته باشند و آن را پیش‌بینی کنند که در این میان، متغیر تیپ شخصیتی با (۰/۵۹) بیشترین تأثیر را روی تعارض زناشویی دارد. مدل تدوین شده نشان می‌دهد که بین دو متغیر تیپ شخصیتی و تمایز یافتگی هم‌بستگی وجود دارد (-۰/۴۳) یعنی با ترکیب این دو متغیر هم می‌توان تعارض زناشویی را پیش‌بینی کرد. همچنین از میان

۱. Hoelter's Index

خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی، خرده مقیاس اول یعنی «واکنش پذیری عاطفی» بیشترین تأثیر را روی این متغیر داشته است (۰/۹۰)، از میان خرده مقیاس تیپ شخصیتی، تیپ پنجم یعنی «مسئولیت پذیری» بیشترین تأثیر را روی این متغیر داشته (۰/۸۱-) و از میان خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی خرده مقیاس پنجم یعنی «افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود» بیشترین تأثیر را روی تعارض زناشویی در این پژوهش داشته است (۰/۹۰). از میان کوواریانس‌ها هم تمام مسیرها معنی‌دار است ( $P < 0/05$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی بود. با توجه به یافته‌های آماری، فرضیه پژوهش به صورت کلی تأیید گردید. به این معنا که تعارض زناشویی با تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی قابل پیش‌بینی است. تحلیل روابط ساختاری نشان می‌دهد که تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی می‌توانند به طور مستقیم و معنی‌داری بر تعارض زناشویی زوجین اثر بگذارند. خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماعی عمل می‌کند و از زمانی که عملکردهای خود را آغاز می‌کند برقراری پیوند محکم و دائم بین زن و مرد تحقق می‌یابد، امری که از آن تحت عنوان ازدواج نام برده می‌شود. یکی از عملکردهای مهم خانواده، برقراری روابط عاطفی بین زن و مرد و گسترش سلامت روان‌شناختی است که مایه آرامش هر دو می‌شود (رابینو، پروست و بوتچ، ۲۰۰۵). یکی از مشکلات شایع در خانواده تعارض زناشویی است. تقریباً هیچ زن و شوهری با نیت طلاق با هم وصلت نمی‌کنند اما تحولات جریان زندگی زوجها را به سمت اختلاف، درگیری، جدایی روانی-عاطفی و گاه طلاق سوق می‌دهد (بهاری، ۱۳۸۸). با این حال به نظر می‌رسد که شدت تعارض به تنهایی تعیین‌کننده ثبات زندگی زناشویی نیست زیرا گاه شرایط شخصی هر یک از زوجها مانند تاب‌آوری؛ صبر؛ امید؛ گذشت و شیوه‌های حل تعارض زناشویی می‌تواند حتی در صورت وجود دامنه طبیعی تعارض برای حداقل یکی از زوجها تحمل همان میزان تعارض نیز دشوار باشد. با این وجود این تعارضات می‌تواند

منجر به ضعیف شدن روابط زناشویی، ضعیف شدن سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان شود (فخرایی و منصوریان، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تیپ شخصیتی افراد و سطح تمایز یافتگی آن‌ها می‌تواند پیش‌بین خوبی برای تعارض زناشویی باشد. با توجه به جدول شماره ۱ همبستگی بین تعارض زناشویی و تیپ شخصیتی (-۰/۴۳) است که از میان تیپ‌های شخصیتی فقط تیپ روان‌نژند با تعارض زناشویی همبستگی مثبت داشت (۰/۳۴) یعنی افراد با تیپ شخصیتی روان‌نژند در زندگی بیشتر گرفتار تعارض زناشویی می‌شوند و از طرف دیگر سایر تیپ‌ها یعنی برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و مسئولیت‌پذیری با تعارض زناشویی همبستگی منفی را نشان می‌دهند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دونلان و همکاران (۲۰۰۴)، جلیلی و همکاران (۱۳۸۸) و شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو بود. از لحاظ نظری دلیل این امر آن است که افراد روان‌رنجور مستعد داشتن عقاید و افکار منفی و غیر منطقی هستند و از آنجا که یکی از مهمترین علل تعارضات زناشویی، باورها و عقاید غیر منطقی و تحریف شده است، روان‌رنجور خوبی زوج‌ها ممکن است آن‌ها را به سوی عقاید غیر منطقی سوق دهد و توانایی آن‌ها را برای مقابله با فشار روانی به تحلیل‌ببرد و از این طریق احتمال در معرض طلاق گرفتن را افزایش دهد (کاگلین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). از میان تیپ‌های شخصیتی، تیپ مسئولیت‌پذیر بیشترین همبستگی (-۰/۴۸) را با تعارض زناشویی داشت که برای این نیز چندین تبیین می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه افراد مسئولیت‌پذیر به دلیل تعهد شخصی برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری را انجام می‌دهند (جارویس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). همچنین بر اساس نظر کوردک<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) وجود سطوح بالای مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود فرد از نشان دادن رفتارخشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری کرده و تکانه‌های خود را کنترل کند. از دیگر یافته‌های پژوهش همبستگی بین تمایز یافتگی با تعارض زناشویی (۰/۳۵-) است یعنی افرادی با سطح تمایز یافتگی بالا کمتر دچار تعارض زناشویی می‌شوند. در مدل معادلات ساختاری تدوین شده نیز (۰/۲۹-) مقداری است که

۱. Caughlin, J

۲. Jarvis, M. O

۳. Kurdek, P. H



رابطه بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. همچنین از میان خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی، خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی (۰/۶۶-) بالاترین و خرده مقیاس آمیختگی با دیگران (۰/۰۳-) کمترین همبستگی را با تعارض زناشویی دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که واکنش‌پذیری عاطفی حالتی است که در آن احساسات فرد بر عقل و منطق او غلبه دارد و فرد در موقعیت‌های مختلف تنها با تکیه بر جو احساسی محیط و بدون توجه به راه‌حل‌های منطقی ممکن، تصمیم‌گیری می‌کند؛ بنابراین در برخورد با مشکلات زندگی و مسائل زناشویی نیز به صورت احساسی برخورد کرده و خانواده را به سوی کارکرد عاطفی بیشتر رهنمون می‌سازد و زوجها نیز در برخورد با مشکلات به صورت منطقی رفتار نمی‌کنند و تعارض زناشویی بالا می‌رود. یافته‌های پژوهش در رابطه با تمایز یافتگی با پژوهش نجفلویی (۱۳۸۵) که در پژوهش خود نقش تمایز یافتگی را در روابط زناشویی بررسی کرده بود، همسو است. در پژوهش دیگری که فردیناند (۲۰۰۱) در میان دانشجویان مجرد زن و مرد انجام داد، دریافت که آمیختگی و واکنش هیجانی بالا با میزان رضایت از همسر همبستگی معکوس داشت که در راستای نتیجه این پژوهش است. از آنجایی که تعارض زناشویی نقطه مقابل رضایت زناشویی است، تمایز یافتگی عامل مؤثری در رضایت زناشویی است. هرچه سطح تمایز یافتگی زوجها افزایش یابد میزان رضایت زناشویی آنان بیشتر و از طرف دیگر هم از میزان تعارض زناشویی کمتر خواهد شد. با توجه به نظریه بوئن این بدان علت است که اولاً افراد متمایز در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی به صورت عقلانی و منطقی برخورد کرده و آنها را حل می‌نمایند. ثانیاً تمایز از خانواده اصلی باعث جلوگیری از تداخل دو سیستم و ایجاد مشکلات در زندگی زوجها می‌شود (فردیناند، ۲۰۰۱). در پژوهش علیکی و نظری (۱۳۸۷) که به بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی پرداخته است، در جهت اینکه تعارض زناشویی با رضایت زناشویی رابطه عکس دارد، با نتایج پژوهش حاضر همسو است. نتایج زیادی را می‌توان از این پژوهش گرفت ولی مهمترین نتیجه پژوهش این است که با توجه به مسیر پرفراز و نشیب زندگی و اجتناب ناپذیر بودن سختی‌ها و تعارضات در زندگی زناشویی، می‌توان با تکیه و توجه عمیق به سطح تمایز یافتگی افراد و همچنین تیپ شخصیتی آنها تعارض را در زندگی زناشویی افراد پیش‌بینی کرد و زندگی خوب و با

کمترین تعارض زناشویی را تجربه کرد. از دشواری‌های ملاحظه شده در این پژوهش، می‌توان به نوع شرکت کنندگان اشاره کرد که بیشتر از حد معمول افراد نمونه در این پژوهش کارمند و باسواد در حد لیسانس بودند که این به دلیل قرار داشتن مدرسه‌ها در یک شهرک فرهنگی بود، در نتیجه در تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابه در جامعه‌های آماری دیگر تکرار شود و همچنین با توجه به تعداد سؤالات زیاد پرسشنامه‌ها، پیگیری بیشتر برای کامل کردن و پاسخ به تمام سؤالات لازم است. این پژوهش می‌تواند برای مشاوران خانواده و زناشویی مفید باشد و از طریق آموزش تمایز یافتگی و همچنین تشریح انواع تیپ‌های شخصیتی برای زوجها و تأثیر آن‌ها در زندگی از میزان تعارض زناشویی آن‌ها کاهش داده و زوجها را در پیدا کردن مسیر درست زندگی همیاری نمایند.

## منابع

- اسکیان، پرستو. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر سایکودرام (روان‌نمایشگری) بر افزایش تمایز یافتگی فرد از خانواده اصلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۵ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- براتی، طاهره. (۱۳۷۵). تأثیر تعارض‌های زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- بهاری، فرشاد. (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر مشاوره زناشویی مبتنی بر امید، بخشش و ترکیبی بر میزان تعارض زناشویی؛ تحریف‌های شناختی بین فردی، سبک‌های اداره تعارض بین فردی زوج‌های متقاضی طلاق ارجاعی به مرکز مداخله در بحران (به‌منظور کاهش طلاق) شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری مشاوره. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- جلیلی، فرید؛ بخشایش، علیرضا؛ فارسی نژاد، مریم. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار همسر آزاری چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی، قم، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، ۱۵۶ و ۱۵۷.

- جهانفر، شایسته؛ رضائی تهرانی، فهیمه و سادات هاشمی، مهدی. (۱۳۸۱). بررسی شیوع حاملی‌های ناخواسته و عوامل مؤثر بر آن در خانم‌های مراجعه‌کننده به درمانگاه‌های تنظیم خانواده بیمارستان‌های ۱۰ شهر ایران (۱۳۷۹). مجله دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران، ۶۰(۴)، ۳۴۰-۳۳۴.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). مجله زن در توسعه و سیاست، ۵(۳)، ۱۴۰-۱۰۹.
- دیویس، کنت. (۱۹۹۹). خانواده: راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری. ترجمه بهاری و همکاران. (۱۳۸۲). تهران: انتشارات تزکیه.
- شاهمرادی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، احمد. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی اصفهان.
- عباسی، روح‌الله؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم؛ کبیر، احسن؛ ابراهیم پور، رضا؛ عباسی، رضا. (۱۳۸۹). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی: مقایسه مدل شبکه عصبی مصنوعی و روش رگرسیون، مجله علوم رفتاری، ۴(۳): ۱۷۵-۱۷۱.
- علیکی، محمود؛ نظری، علی محمد. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۷. شماره ۲۶.
- فخرایی، سیروس؛ منصوریان، محمد کریم. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شیراز. مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان، ۲(۱)، ۱۱۳-۷۵.
- فرح‌بخش، کامران. (۱۳۸۳). مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی آلیس، واقعیت‌درمانی گلاسر و اختلاطی از هر دو در کاهش تعارض‌های زناشویی. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- قربانی، آزاد؛ امانی، احمد. (۱۳۹۴). تبیین مدل نظری برای سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های دل‌بستگی و خود‌تمایزسازی زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶(۲۱)، ۸۶-۶۷.

کیامهر، جلال. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO.F.F.I در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی). پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

نادری، فرح؛ افتخار، زهدا؛ آملزاده، صفری. (۱۳۸۹). رابطه ویژگیهای شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی. ۶۱-۷۸.

نجفلویی، فاطمه. (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۲)، ۳۷-۲۷.

یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). هنجاریابی و تعیین ویژگی‌های روانسنجی آزمون خود متمایز سازی در بین افراد ۵۰-۲۵ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

Amato, P. R. (۲۰۰۰). The consequences of divorce for adult and children, *Journal of Marriage & Family*, ۶۲(۴), ۱۹-۲۶.

Barelds DPH, Dijkstra P. (۲۰۱۱). Positive illusions about a partner's personality and relationship quality. *J Res Pers*; ۴۵(۱):۳۷-۴۳.

Bhatt, P (۲۰۰۱). Differentiation of self and marital adjustment within the Asian American population. *Journal of Marital and Family Therapy*: ۵۶, ۴۴۰-۴۴۸.

Bowen, M (۱۹۷۸). *Family therapy in Clinical Practice*. New York: Aronson.

Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (۲۰۰۰). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۷۸, ۳۲۶-۳۳۶.

Comstock, J., and Strzyzewski, (۱۹۹۰). Interpersonal interaction on television: Family conflict and Jealousy on prime time. *Journal of Broadcasting and Electronic Media*, ۳۴:۲۶۳-۲۸۲.

Costa, P.T. & McCrae, R.R. (۱۹۸۹). *The NEOPI/FFI: Manual supplement. Psychological Assessment Resources*, Odessa, FL.

Costa, P.T., & McCrae, R.R. (۲۰۰۴). *Professional Manual: Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) Psychological Assessment Resources*, Inc.

Cummings, E. M., Kouros, C. D., & Papp, L. M. (۲۰۰۷). Marital aggression and children's responses to everyday interparental conflict. *European Psychologist*, ۱۲ (۱), ۱۷-۲۸.

- Davis, C. M., Yarber, W. L., Bauserman, R., Schreer, G., & Davis, S. L. (۱۹۹۸). *Handbook of sexuality-related measures*. SAGE Handbook Publications, Incorporated.
- Donnellan, B. M., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (۲۰۰۴). The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, ۳۸, ۴۸۱-۵۰۴.
- Ghorbani, K. (۲۰۰۵). *Rational treatment of couple's therapy - emotional and behavioral Inconsistent and irrational thoughts counseling center in Isfahan*. M.Sc. Thesis, University of Isfahan (Persian).
- Ferdinand, L. (۲۰۰۱). *The influence of differentiation of in individual and couples functioning in premarital and newlywed couples*. Masters of thesis in Georgia State University.
- Fincham FD, Bradbury TN. (۲۰۰۴). The assessment of marital quality: A reevaluation. *J Marriage Fam*. ۱۹۸۷; ۴۹:۷۹۷-۸۰۹.
- Gaunt R. (۲۰۰۶). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *J Pers*, ۷۴(۵): ۱۴۰۱-۱۴۲۰.
- Gottman, J. M. (۲۰۰۲). *Marital research the ۲۱th century*, Family Process, ۴۱(۲), ۱۵۹
- Gottman, J.M. (۱۹۹۴). *What predict divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale.N.J. Lawrence Erlbaum Association.
- Grohan, S.E. (۱۹۹۲). Marital happiness and spousal consensus on beliefs about marital conflict: A longitudinal investigation. *Journal of social and personal Relationships*, ۹:۸۹-۱۰۲
- Halford, Wk. (۲۰۰۱). *Brief couple therapy for couples*. New York: Guilford publications.
- Heras, J. E. (۲۰۰۸). *A clinical application of Bowen family systems theory* [On-line]. Available: [www.thebowencenter.org](http://www.thebowencenter.org)
- Jarvis, M.O. (۲۰۰۶). *The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
- Johanson, P. & Waldo, M. (۱۹۹۸). Integrating Minuchin's Boundary Continuum and Bowen's Differentiation Scale: A curvilinear representation. *Contemporary Family Therapy*, ۲۰. ۴۰۳-۴۱۳.
- Klever, Ph. (۲۰۰۹). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital Family Therapy*. ۳۵(۳):۳۰۸-۲۴
- Kurdek, L.A. (۱۹۹۳). Predicting marital dissolution: A ۵ year prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۶۴, ۲۲۱-۲۴۲.
- Lane JD, McCaslill CC, Williams PG, Parekh PI. (۲۰۰۰). Personality correlates of glycemic control in type ۲ diabetes. *Diabetes Care*; ۲۳(۵): ۱۳۲۱-۱۳۲۵.

- Lue, S., & Klohnen, E. (۲۰۰۵). Quality in newlyweds: A couple centered approach, *Journal of Pres Social Psychology*, ۸۸, ۳۰۴-۳۲۶.
- Pineo, P. (۲۰۱۲). Disenchantment in the later years of marriage. *Marriage and Family Living*, ۲۳, ۳-۱۱.
- Pervin, Lawrence, Cervone, Daniel. (۲۰۱۰). *Personality Theory and research*, WILEY, eleventh edition
- Rabino-Massa, E., Prost, M. & Boetsch, G. (۲۰۰۵) Social structure and consanguinity in a French mountain population (۱۵۵۰-۱۸۴۹). *Hum. Biol.:* vol ۷۷(۲): PP. ۲۰۱-۱۲.
- Shiota, N., & Levenson, W. (۲۰۰۷). Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages, *Psychology Aging*, ۲۲, ۶۶۶-۶۷۵.
- Skorown, E. (۲۰۰۰). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*. ۴۷, ۲۲۹- ۲۳۷.
- Skowron, E.A., & Dendy, A.K. (۲۰۰۴). Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, ۲۶, ۳۳۷-۳۵۷.
- Tuason, M. T, & Friedlander, M. L. (۲۰۰۰). Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of bowen theory in Philippine sample. *Journal of Counseling Psychology*, ۴۷(۱), ۲۷-۳۵.
- Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J., & Greenberger, D. (۲۰۱۱). Equity, marital satisfaction and stability. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۱, ۳۲۳-۳۳۲.
- Wang. Q. (۲۰۰۶). *Linking Goals to Avoidance in Interpersonal Conflict Situations. A Cognitive Approach*. Doctoral Dissertation for philosophy. Submitted to the faculty of the Graduate School of University of Maryland.
- Worthington. E.L. (۲۰۰۵). *Hope- Focused Marriage Counseling: A Guide to Brief Therapy*. IVp Academic.
- Yoo ya.Y. (۲۰۰۷). The relationship among the family functioning, self-differentiation and junior high school student's irrational beliefs. *Journal of Pres Social Psychology*, ۷۳, ۲۲۳-۲۳۴.